

# دلنامه ۱۰

(مستِ عشق)

«گزیده‌ای از مضامین اخلاقی

بر پایه آیات قرآنی»

محمد حسن خدا پرست



انتشارات عصر کنکاش

تهران-۱۴۰۳



الهی، به لطف و رحمت‌ات شعور مرا چنان تغییر بده تا حقیقت  
دین تو را دریابم تا در هیچ موقعی فریب فریبکاران سلطه‌گر را  
نخورم

- شعور مرا چنان تغییر بده، تا مبدا دین تو را بهانه کنم و به  
دیگران آزار رسانم و آسیب زنم

- شعور مرا چنان تغییر بده تا مبدا به حقوق حقهٔ مردمان تجاوز  
کنم و آزادی‌های مشروع و خداداده‌شان را سلب یا مخدوش نمایم

- شعور مرا چنان تغییر بده تا هرگز به وادی خشونت فرو نیفتم و  
از تو خدایی خشن و بی‌رحم اراده ندهم

- ای بخشنده و مهربان چنان شعور مرا تغییر بده تا بتوانم تو را  
در هر موقعی محبوب دل مردمان کنم نه اینکه با حماقت‌هایم از  
تو دورشان سازم.

”چه من از سخت‌گرایان نیستم؛“ **”وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَبِّرِينَ“**.

ای زیباترین،

ای خوب‌ترین،

ای مهربان‌ترین،

مرا توفیق شعوری الهی ده

شعوری خالی از پلیدی و نفرت

شعوری خالی از خودخواهی و نخوت

شعوری نجات‌بخش و وحدت‌گرا

برحمتک یا ارحم‌الراحمین

برگرفته از مرغ قدم نوشته مسعود ریعی

## الهی! آ "مُمت" "

الهی؛ ای "مُمت"، مرا از آن جماعت مپسند که دعا و عبادتشان، جز برای رسیدن به سهم بیشتر، برخورداری فزونتر، لذتِ وافتر و داشتنِ زیادتر، نیست. بهشت اینان جهنم من است مرا از این آتش به دور دار.

الهی؛ ای "مُمت"، مرا از این عالم تاریکی به نیکی بمیران. از این ذهن ظلمانی بیرون آر. و از بی توئی نجاتم بخش. الهی پیک مرگ را به زیبایی راهی کن بگو چهارنعل بتازد، چه به یقین می‌دانم که تا "موت" نیاید "حیات" طیّبه" ای در کار نیست.

الهی؛ ای "مُمت"، تو می‌دانی که راز پُر مهرِ موت را برایشان در هر فرصتی و با هر حیلتی عیان کردم و روز و شب به "آن" دعوتشان کردم اما آنها خواهان ماندن‌اند!

از تاریکی سهم بیشتری می‌خواهند! آنها کار بی‌شمار دارند،! گرفتارند! هنوز به آرزوهایشان نرسیده‌اند! آنها وقتی برای موت ندارند! مشغله‌شان زیاد است! و فرصتی برای حیات طیبه پیدا نمی‌کنند!... الهی؛ من مغلوب شده ام پس مرا با محرمان برگیر.

الهی؛ ای "مُمیت" هوکس در یک کالبد نگنجند. یکی ام گردان. که بهشت دریگایی است.

الهی؛ ای "مُمیت" ای ذکر زیبای بی‌همتا، گنج را در تو نهفته اند تا نامحرمان بترسند و سراغت نگیرند. تا خودخواهان از نامت بگریزند. ای که "مُحیی" از تو عزت گرفته است اکنون وقت آن است که گنج محرمان را واپس دهی.

الهی؛ ای "مُمیت" ای دوست با وفای اُزلی ام، هنوز اوصاف پلیدی در پیرامون است. قلع و قمع شان کن و یا

به حسنات تبدیل شان نما. ای استحاله کننده بزرگ،  
به نورمان بر.

الهی؛ ای "مُْمیت" ای پاک کننده، ای آماده کننده، ای  
برنده، ای کارآمدترین ذکرروزگار، تو بزرگ نعمت  
آسمانی، برکاتت را بر محرمان فرو ریز. خیرشان را از  
شرشان خلاص کن.

الهی؛ ای "مُْمیت"، تو نزدیکترین راه به خانه ای. به واقع  
جز تورا هی نیست. راه، تویی. از دل تو می گذرد. ای  
همسفر مهربان، ما را به خانه امن الهی رهنمون باش.

الهی؛ ای "مُْمیت"، دوستت دارم، و نه فقط به زبان که  
با تحویل جانم می ستایمت. جز تو کسی شایسته ستایش  
نیست چه خدایی جز تو نیست "یُحیی و یُمیت و یُمیت و  
یُحیی". تو با یُحیی، یگانه ای. همانی.